رویاهایی که می‌آیند

ساسان گلفر
cinemaglobe.blogfa.com

کشتارگاه اکران

■ همه فیلم‌هایی که هفته گذشته اکران گرفتند و به علت تعطیلات هفته قبل، امروز در این صفحه معرفی می‌شوند، از نوعی کشتار و خونریزی حکایت دارند. علاوه بر فیلم‌های معرفی شده در این ستون، اکشن خشن «دوشیزه بالا» (بالا اسم خاص است) نیز به کشتار گروه‌های تبهکار مکزیک می‌پردازد.

■■■

دم قرمزها

Red Tails

خلبانان سیاهپوست برنامه آزمایشی موسوم به«تاسکگی» در آخرین سال جنگ جهانی دوم باید در دو جبهه بجنگند، یکی در جبهه خارجی برای آنکه تعادل موجود میان نیروی هوایی متحدین و متفقین را به نفع متفقین بر هم بزنند و دیگری جنگ علیه تبعیض نژادی در درون ارتش و کشور آمریکا. درام جنگی اکشن «دم قرمزها» را جان ریدلی نوشته و آنتونی همینگوی کارگردانی کرده است. کوبا گودینگ جونیور، ترنس هاوارد، برایان کرنستن، نت پارکر و دیوید ایلوو از جمله بازیگران این فیلم ۱۲۵ دقیقه‌ای هستند که به علت صحنه‌های خشن با درجه پی.جی. ۱۳ به نمایش درآمده است.

خط مقدم

The Front Line

جنگ کره به پایان رسیده و آتش‌بس شکننده‌ای برقرار شده، اما در جبهه شرقی و در تپه‌های آروک جنگ شدیدی در جریان است. میان دو کشور کره‌شمالی و جنوبی رقابت شدیدی برای به دست آوردن این نقطه استراتژیک وجود دارد و در جریان نبرد در میان نیروهای کره‌جنوبی جنایتی اتفاق می‌افتد که پای چند سرباز را به میان می‌کشد. هون جانگ این درام جنگی محصول کره‌جنوبی را کارگردانی کرده است. شین‌ها کیون و کیم‌اوک بین از بازیگران این فیلم هستند.

آشفته

Haywire

اثر تازه استیون سودربرگ یک اکشن دلهره‌آور است با چاشنی هنرهای رزمی و طبق معمول با بهره گرفتن از لشکری از ستاره‌های سینما که این بار در فضای جاسوسی و خیانت می‌گذرد. جینا کارانو در این فیلم نقش یک مامور مخفی بسیار ورزیده را دارد که پس از خیانت دیدن در یک ماموریت به قصد انتقام و تسویه‌حساب سراغ اجیرکنندگانش می‌رود. فیلمنامه را لم دابز نوشته است و ایوان مک گرگور، مایکل داگلاس، آنتونیو باندراس، مایکل فاسبندر، بیل پکستن و چانینگ تاتوم در میان بازیگران این فیلم ۹۳دقیقه‌ای محصول مشترک آمریکا و ایرلند هستند.

بیداری دنیای زیرین

Underworld Awakening

چهارمین فیلم از مجموعه «دنیای زیرین»، این بار به شیوه سه‌بعدی ساخته شده است و دو سوئدی؛ مانس مارلین و بیورن استاین آن را کارگردانی کرده‌اند. در این فیلم ابعاد تازه‌ای به نبرد میان خون‌آشام‌ها و لایکان‌ها که در قسمت اول مجموعه مطرح شده بود، داده شده و کیت بکینسل مثل همیشه قهرمان داستان است؛ جنگجوی خون‌آشامی که از زندان می‌گریزد و متوجه می‌شود که انسان‌ها به وجود هر دو قبیله پی برده‌اند و قصد نابودی هر دو را دارند. استیون ری، تئو جیمز و چارلز دنس از دیگر بازیگران این اثر ترسناک ۸۸دقیقه‌ای هستند.

تماشای تلویزیون با چینی‌های سرخ

Watching TV with the Red Chinese

سه دانشجوی چینی که در تابستان ۱۹۸۰ به نیویورک رفته‌اند، با چند دانشجوی آمریکایی دوست می‌شوند ولی روابط آنها به تدریج تیره‌تر و پیچیده‌تر می‌شود تا آنکه چینی‌ها اقدام به خریدن اسلحه می‌کنند. این کمدی/درام ۱۰۵دقیقه‌ای محصول آمریکا را شیمون دوتان کارگردانی کرده است و رایان اونان، جیلیان جیکوبز، جیمز چن و کئونگ سیم در فیلم بازی دارند.

عکس: KinoBank

گفت‌وگو با استیون سودربرگ درباره «آشفته»

هنر کارگردانی یک صحنه مبارزه واقعی

دن استاینبرگ/ترجمه وحیداله موسوی

استیون سودربرگ با فیلم «آشفته» که در ۲۰ ژانویه اکران آن آغاز می‌شود بازهم در مسیر متفاوتی حرکت می‌کند. «آشفته» فیلمی است با بازی جینا کارانو -یک مبارز حرفه‌ای در عرصه مسابقه‌های هنرهای رزمی که پیشتر تجربه بازیگری نداشته- به‌عنوان بازیگر اصلی فیلم که نقش یک مامور سری بین‌المللی را ایفا می‌کند. ریسک استفاده از او با حضور جمعی از بازیگران مذکر تعدیل می‌شود (مایکل فاسبندر، ایوان مک‌گرگور، مایکل داگلاس، آنتونیو باندراس، چانینگ تاتوم) بازیگرانی که با دنیای پر زرق و برق و بانشاط آقای سودربرگ در «یازده یار اوشن» غریبه نبودند. در واقع «آشفته» تا حدودی مانند «اوشن» است، همراه با صحنه‌های بزن‌بزن فیلم‌های مرسوم جاسوسی که به آن افزوده شده. سودربرگ که از سال ۱۹۸۹ با فیلم «جنسیت، دروغ‌ها و نوارهای ویدیویی» مشهور شد، فیلم‌های تجاری جالبی مانند مجموعه فیلم‌های «اوشن»، «ارین براکوویچ»، «قاچاق» و اخیرا «سرایت» و نیز یک فیلم نوآر «آلمانی خوب» و دو فیلم درباره چه‌گوارا ساخته است. در این گفت‌وگو سودربرگ از جاذبه مردم‌شناختی و دوسویه هنر پیشه جدید و سرسختش می‌گوید (از سویه فمینیستی گرفته تا هواداران مسابقات قهرمانی ورزش‌های مختلط رزمی) و لذت دیدن اینکه چنین قهرمانی همه آن پسرها را کتک می‌زند.

■ شما تصمیم گرفتید پس از تقریبا چهار ساعت گفت‌وگو با جینا کارانو فیلمی با حضور او بسازید؟

درست است، تا حدود زیادی همین‌گونه است. من مبارزه او و مصاحبه‌اش را در تلویزیون دیدم و به خودم گفتم، باتوجه به سابقه فیلم‌هایی که درباره و با حضور مبارزان واقعی ساخته شده، چرا نباید کسی فیلمی با حضور او بسازد؟ گویی برای این کار ساخته شده بود. او یک مبارز واقعی است.

رفتم و با او حرف زدم و گفتم«مایل به چنین کاری هستی؟» گفت «آره، چرا نه، فرصت خوبیه که چنان کاری را انجام بدم.» (کارانو که پس از یک مبارزه سخت و بی‌رحمانه با رقیبی با لقب سایبرگ، نخستین و اولین شکستش را تجربه کرده بود، در دوره استراحت به سر می‌بُرد.) معلوم است که کاری پرخطر است. مردم او را می‌شناسند، اما نه به دلیل بازی در فیلم. اما من فکر می‌کنم فیلم‌ها به درد چنین کاری می‌خورند. مردم همین احساس را هم درباره استیون سیگال داشتند. چرا درباره او نداشته باشند؟

همچنین-چون عاشق فیلم‌های جاسوسی هستم- باید به دنبال چیزی در این عرصه می‌گشتم که در دنیای این شرکت‌های امنیتی خصوصی می‌گذشت. بنابراین وقتی او را دیدم به خودم گفتم: می‌توانم این دو چیز را با هم بیامیزم و همین کار را هم کردیم. شاید بتوان گفت که این فیلم بیشتر به فیلم‌های ایان فلمینگ یا آلفرد هیچکاک نزدیک است تا آن فیلم‌های رزمی هنگ‌کنگی.

■ شما با دراختیار داشتن یک مبارز واقعی، به صحنه‌های کاملا جدی مبارزه دست می‌یابید.

از همان ابتدا، تصمیم گرفتیم تا حدامکان واقعی باشند. بدون هیچ‌استفاده‌ای از سیم و بند و چنین چیزهایی؛ بدون استفاده از چیزی که در واقعیت انجام نمی‌دهید. در نتیجه، مبارزه‌ها خیلی طولانی نیستند، زیرا فهمیدیم که اگر می‌خواهیم واقعی باشند و فقط از توانایی واقعی این آدم‌ها استفاده کنیم، صحنه‌های مبارزه نباید زیاد طول بکشند.

■ شما بازیگرانی دور و بر او قرار دادید- مردانی که برای‌شان مهم نبود از یک دختر کتک بخورند؟

درست است و همچنین مردانی که واقعا در صحنه‌ها حضور داشتند ما نمی‌خواستیم از بدل یا ترفندها و حقه‌های تدوینی استفاده کنیم. بنابراین آدم‌ها واقعا باید می‌دانستند که چگونه چنین کاری را انجام بدهند. منظورم این است که جینا واقعا پدر فاسبندر را درآورد. دو روز کاملا فشرده طول کشید. فاسبندر با توجه به موقعیت نماها می‌توانست اینجا یا آنجا از تشک استفاده کند اما جینا واقعا قوی بود. درطی یکی از تمرین‌ها او تصادفی یکی از سیاهی لشکرها را نقش بر زمین کرد. مدام به چانینگ [تاتوم] می‌گفت «محکم نمی‌زنی باید محکم‌تر من را بزنی. نباید جلو خودت را بگیری.»

■ آیا فکر می‌کنید استفاده از یک بازیگر نقش اول غیرسنتی اعتبار بیشتری برای فیلم به ارمغان می‌آورد؟

نوعی حضور و تاثیر خاص وجود دارد که ورزشکاران حرفه‌ای دارند و فکر می‌کنم به‌سختی می‌توان از آن تقلید کرد. فقط خودشان از عهده انجام آن برمی‌آیند و بس. سخت است و در این مورد واقعا برای ما حیاتی بود. به محض اینکه ما فیلمبرداری را شروع کردیم، به‌خودم گفتم «انگار جینا را برای این‌کار ساخته‌اند.» او از همان حضور و موهبتی برخوردار است که شما برای جلب نگاه مخاطب به فیلم نیاز دارید.

یکی از چیزهایی که کشف کرده‌ام این است که او می‌تواند، بدود. می‌توانستید یک‌ساعت دویدن او را تماشا کنید. فکر می‌کنم این جالب‌ترین نکته ماجرا بود.

■ آیا شما پیشتر هم طرفدار فیلم‌های بزن‌بزن بوده‌اید؟

مجبور شدم اندکی درباره آن بیاموزم. لِم دابز نویسنده، توجه من را به فیلمی از راد تیلور در دهه ۶۰ با عنوان «سیاه‌تر از کهربا» جلب کرد، به آن نوع پرداختی که برای صحنه اتاق هتل استفاده می‌شد. صحنه‌ای تقریبا مشهور بین تیلور و یک مرد دیگر که در یک اتاق می‌گذرد و آنان به‌راستی دمار از روزگار هم درمی‌آورند و در عین‌حال اتاق را درب و داغان می‌کنند. سکانسی خارق‌العاده. همین صحنه را نیز ما در این فیلم داریم با این تفاوت که در اینجا زنی جایگزین او شده و هر دو آنان لباس میهمانی پوشیده‌اند.

■ تا همین اواخر، از تاثیرات هنرهای رزمی و ویژگی‌های هنری فیلم‌های آسیایی در هالیوود نشانی نبود...

تردیدی نیست که اگر همین فیلم را ۲۰ سال پیش می‌ساختید آن صحنه‌های بزن‌بزن بسیار متفاوت بودند. مبارزه‌های رزمی در فیلم‌ها چنان تحت تاثیر فیلم‌های هنگ‌کنگی قرار گرفته که گمان نمی‌کنم ۲۰ سال قبل تصور چنین مبارزه‌هایی به ذهن طراحان صحنه‌های زدوخورد و مسوولان سیاهی لشکرهای ما خطور می‌کرد.

■ چه تغییری به‌وجود آمده است؟

اگر از من بپرسید می‌گویم «ماتریکس» نقش بسیار زیادی در این زمینه داشته است. آن نوع مبارزه تن‌به‌تن که در آن بود و علاقه شدید واچوفسکی‌ها به چنان چیزهایی. ایده آنان برای درآمیختن آن با فرضیه‌ای علمی-تخیلی واقعا زیرکانه بود.

■ شما چگونه مخاطبان مسابقات قهرمانی ورزش‌های مختلط رزمی (یواف سی) را به دیدن فیلم «آشفته» ترغیب می‌کنید؟

خب، نتیجه مطلوب دیگر برای ما این است که دوست داریم زنان به تماشای این فیلم بیایند و معمولا فقط آنان نیستند که به دیدن این نوع فیلم‌ها می‌روند. ما چندین نمایش ویژه برای زنان ترتیب دادیم، تا نظرشان را به قهرمان زن فیلم جلب کنیم. زیرا وقتی آنان فیلم را می‌بینند، کاملا مسحور او و قدرتش می‌شوند. زنان واقعا با او ارتباط برقرار می‌کنند

کانون هواداران جینا [ام ام ای] بسیار اینترنت محور است، درنتیجه برای دستیابی به آنان مشکلی وجود ندارد. وقتی ما چند کلیپ از او را در سایت Comic-Con گذاشتیم، آن روز به سومین سایت گوگل تبدیل شد که بیشترین تعداد بازدیدکننده را در جهان داشت. سومین سایت گوگل با بیشترین تعداد بازدیدکننده در جهان. او طرفداران قابل توجهی دارد.

منبع: وال‌استریت ژورنال

درباره «آشفته» استیون سودربرگ

انتقام تنها راه است

سیدحسام فروزان

استیون سودربرگ امسال به سبک استیون اسپیلبرگ دو فیلم روانه پرده‌های نقره‌ای می‌کند. پس از نمایش «سرایت» که تریلری علمی- تخیلی بود، از این هفته «آشفته» به عنوان آخرین فیلم او به نمایش در می‌آید که تریلری جاسوسی و حادثه‌ای است. نام فیلم در ابتدا «تاک اوت» بود که بعد به نام «حاضر» تغییر پیدا کرد. فیلمبرداری «آشفته» قبل از فیلم «سرایت» تمام شده بود اما اکران آن از تابستان تا ماه ژانویه به تعویق افتاد. گویا خود سودربرگ گفته این آخرین فیلمش خواهد بود و پس از آن کارگردانی را کنار خواهد گذاشت. فیلمنامه «آشفته» را لم دابز نوشته، کسی که در فیلم‌های «لایمی» و همچنین «کافکا» با سودربرگ همکاری داشته است. همانند بیشتر فیلم‌های سودربرگ در «آشفته» هم بازیگران به نام نقش‌های اصلی را ایفا می‌کنند: ایوان مک‌گرگور، آنتونیو باندراس، مایکل داگلاس، مایکل فاسبندر و جینا کارانو که چهره‌ای جدید است. داستان فیلم درباره مامور مخفی ویژه‌ای به نام مالوری کین (جینا کارانو) است که بعد از اینکه در یکی از ماموریت‌هایش به او خیانت می‌شود، قصد انتقام‌گرفتن دارد. بودجه فیلم در حدود ۲۵ میلیون دلار بوده و فیلم به علت خشونت بیش از حد با درجه R از بیستم ژانویه اکران شده است.

سودربرگ از آن دسته فیلمسازانی است که سراغ هر ژانری رفته و هر فیلمی ساخته و توجه علاقه‌مندان پیگیر سینما را جلب کرده است. اگر واقعا این آخرین فیلم سودربرگ باشد علاقه‌مندان سینما یکی از کارگردانان محبوب‌شان را از دست می‌دهند. یکی از تماشاگرانی که فیلم را دیده، نوشته «آشفته» مخلوطی است از فیلم‌هایی چون «هویت بورن» و «سالت» به همراه عناصر ژانر و البته کارگردانی هنری و چیره‌دستانه سودربرگ. معمولا سودربرگ از بازیگران حرفه‌ای به بهترین نحو استفاده می‌کند و بازی‌ها در فیلم‌های او کمتر دچار نقص و نارسایی هستند. در «آشفته» نیز مایکل داگلاس و آنتونیو باندراس و ایوان مک‌گرگور را در بهترین حالت خود می‌بینیم. به نظر می‌رسد فیلم در اکران عمومی با استقبال تماشاگران روبه‌رو شود و برآیند نظر منتقدان نسبت به فیلم هم مثبت باشد. در حال حاضر امتیاز فیلم در IMDb از ۱۰ امتیاز ۷/۱ است که امتیاز خوبی است. در سایت متاکریتیک هم با توجه به مجموع نظرات از صد امتیاز نمره ۶۸ را از آن خود کرده است.

راجر ایبرت منتقد کهنه‌کار شیکاگو سان تایمز سه ستاره به فیلم داده و با توجه به اینکه قهرمان اول فیلم یک زن است، نوشته که احتمالا باید مفهومی فرویدی وجود داشته باشد تا تمایل مردان جوان به دیدن این ابرقهرمانان را توضیح دهد. در میان طرفداران کتاب‌های کمیک استریپ هم عده زیادی هستند که برای ابرقهرمانان زن سرودست می‌شکنند. ایبرت می‌نویسد شاید این علاقه به دلیل این باشد که مادر اولین حامی هر پسری است. به نظر ایبرت عامل جنیست در قهرمانان زن در مرتبه دوم قرار می‌گیرد. او می‌نویسد مالوری کین قهرمان «آشفته» نمونه باشکوهی از این‌گونه شخصیت‌های مونث است. او از بازی جینا کارانو تعریف می‌کند و می‌نویسد مهارت او در هنرهای رزمی و ورزشکار بودنش به کار فیلم آمده و به احتمال زیاد گیشه‌ها را فتح خواهد کرد. یابرت، سودربرگ را استاد ماهری می‌داند که در فیلم‌هایش بین ژانرهای مختلف حرکت می‌کند و این اولین فیلم اوست که به هنرهای رزمی می‌پردازد. ایبرت نوشته است که سودربرگ به درستی فهمیده که تماشاگران چنین فیلمی تمایلی به شنیدن دیالوگ‌های طولانی ندارند. ایبرت در پایان مطلب اشاره می‌کند که طرح فیلم، چرت و پرت و بی‌معنی است: «آخر با این کشت و کشتاری که ما در این فیلم می‌بینیم چطور ممکن است یک سازمان به مدت طولانی سرپا باشد؟» در آخر اشاره می‌کند که به نظر می‌رسد سودربرگ با تنوع لوکیشن‌ها خودش را سرگرم می‌کرده: بارسلونا، دابلین، نیومکزیکو، نیویورک و شهرهای گمنام».

جاستین چانگ منتقد ثابت سایت ورایتی هم فیلم «آشفته» را تریلر ۹۲ دقیقه‌ای موفقی می‌داند که در میان اکشن‌سازی‌های استیون سودربرگ خوب از کار درآمده است. علاوه بر این فیلم توانسته جینا کارانو را به عنوان شخصیت کاریزماتیکی ارایه دهد که ترکیبی از یک زن بازیگر و رزمی‌کار است که گویی از قفس تلویزیون آزاد شده است تا در این فیلم بدرخشد. جینا نقش آدمکش ماهری را بازی می‌کند که باید از دست مردان قدرتمندی که می‌خواهند نابودش کنند، بگریزد و انتقام بگیرد. جاستین چانگ معتقد است که استیون سودربرگ در «آشفته» روایت و شخصیت‌پردازی را کنار می‌گذارد تا به تریلری تکنیکی و نفس‌گیر برسد. فیلم از حس طنز و شوخی بی‌بهره است و در عوض بازیگران بزرگی در نقش‌های فرعی آن ظاهر شده‌اند. جاستین چانگ می‌نویسد فیلم در ۱۰ دقیقه اول تماشاگر را درگیر می‌کند و سپس در ۴۵ دقیقه بعدی با چند فلاش‌بک به گذشته مالوری نقب می‌زند و داستان را گسترش می‌دهد.

پیتر تراورس منتقد سایت رولینگ استون مطلب کوتاهی درباره «آشفته» نوشته است. او در ابتدا می‌نویسد که اکران «آشفته» پس از فصل مرده اکران در ژانویه آغازگر سال جدید سینمایی با یک تریلر اکشن است. او معتقد است اگر استیون سودربرگ کارگردان اسکاری فیلم «ترافیک» را پشت دوربین فیلمی چون «آشفته» دیدیم نباید تعجب کنیم چرا که سودربرگ دارد خارج از جریان اصلی هالیوود و فیلم‌های سنگینی چون «یاران اوشن» فیلمی سهل و آسان می‌سازد. سودربرگ با دوربین دیجیتال مدل 4K فیلمی درجه دو می‌سازد و از استعدادهایش هم چندان خرج نمی‌کند. از نظر این منتقد جینا کارانو آنقدر جذاب ظاهر نمی‌شود که تماشاگر نتواند چشم از پرده بردارد. او زن ۲۹ ساله‌ای است که در هنرهای رزمی ماهر است و پیش از این فیلم در مسابقات «گلادیاتورهای آمریکایی» در شبکه ان‌بی‌سی ظاهر شده بود. پیتر تراورس می‌نویسد موقع تماشای فیلم نیازی به دنبال کردن جزییات طرح داستان نداشته و تنها شخصیت مالوری را دنبال می‌کرده است. ما به دنبال مالوری به شهرهای مختلف دنیا سفر می‌کنیم و ماجراهای گذشته و حال او را می‌بینیم که چطور دخل همه مردانی که دشمنش هستند را می‌آورد. مالوری و همکارش (مایکل فاسبندر) یکی از اتاق‌های هتلی در دوبلین را منفجر می‌کند و استیون سودربرگ لذت می‌برد. اما ما چرا باید لذت ببریم؟ پیتر تراورس می‌نویسد در پایان فیلم وقتی مالوری به خانه ساحلی که با پدرش در آن زندگی می‌کرد، می‌رسد و با دشمنانش روبه‌رو می‌شود استیون سودربرگ به هدفش از ساخت این فیلم می‌رسد: «فیلمی از پم گریر ساخته آلفرد هیچکاک!»

منتقد مشهور نیویورک‌تایمز یعنی ای. اُ. اسکات نیز از کسانی است که نقدی منفی بر فیلم نوشته و ضعف‌های آخرین فیلم سودربرگ را برملا کرده است. او در تیتر مطالبش اشاره می‌کند که انتخاب جینا کارانو اشتباه مهلکی بوده است. اسکات در ابتدای مطلب می‌نویسد عبارت «فیلم اکشن» بی‌معنی به نظر می‌رسد. مگر تصاویر متحرک هدف دیگری هم دارند؟ در آغاز سینما نیاکان ما از دیدن صحنه‌های ورود قطار یا اسب‌ها و کالسکه‌ها به هیجان می‌آمدند و به نظر می‌رسد با گذشت سالیان اگرچه صنایع سرگرمی ما متحول شده‌اند اما اشتهای ما هنوز همان است. بخش زیادی از آنچه ما طلب می‌کنیم اکشن است: پریدن، دویدن، جنگیدن، رانندگی کردن و پرواز. گاهی هرچیزی غیراز اینها -مثل طرح یا شخصیت یا حس و حال- غیرضروری به نظر می‌رسد. اسکات فیلم آخر سودربرگ را هم به همین سیاق فیلمی می‌داند که تاثیر زیادی می‌گذارد اما چندان مفهومی را در بر ندارد.

تازه چه خبر دکترجون؟

عوارض جانبی سودربرگ

■ کاترین زیتا جونز که در فیلم سال ۲۰۰۰ استیون سودربرگ «ترافیک» بازی کرده بود، بار دیگر قصد دارد در فیلمی به کارگردانی این فیلمساز بازی کند. به گزارش ددلاین، فیلمی که هفته گذشته خانم زیتا جونز قرارداد بازی در آن را امضا کرده است، «عوارض جانبی» نام دارد و تریلری است با فیلمنامه‌ای از اسکات برنز (نویسنده فیلمنامه‌های «سرایت» و «خبرچین!»). زیتا جونز در این داستان که ظاهرا درباره دارویی خطرناک است که به یک زن تجویز شده است تا با اضطرابش در مورد آزاد شدن شوهرش از زندان کنار بیاید، نقش پزشک را بر عهده دارد. بلیک لیولی، جودلا و چنینگ تاتوم از دیگر بازیگران این فیلم خواهند بود. زمان کلید خوردن این پروژه هنوز مشخص نیست و سودربرگ علاوه بر فیلمی که از این هفته بر پرده دارد، یک فیلم آماده نمایش و دو فیلم دیگر در مرحله پیش تولید دارد.

نیاز به کشتن

■ «همه آنچه نیاز دارید، کشتن است» نام فیلم تازه‌ای است که تام کروز در سبد پروژه‌های متعددی که در دست دارد، گذاشته است. این فیلم را داگ لیمان، سازنده «آقا و خانم اسمیت» و «هویت بورن» کارگردانی می‌کند و یک تریلر علمی-تخیلی است. کروز در نقش اصلی فیلم یک سرباز است که در جنگ با بیگانه‌های فضایی کشته شده است اما مدام بیدار می‌شود و رویداد تراژیک زندگی‌اش را تکرار می‌کند. او در حال حاضر مشغول فیلمبرداری «یک گلوله» به کارگردانی کریستوفر مک کواری است و با توجه به موفقیت «ماموریت غیرممکن: پروتکل شبح» در نظر دارد وارد پنجمین قسمت مجموعه «ماموریت غیرممکن» شود. داگ لیمان نیز این روزها تریلر سیاسی «بازی جوانمردانه» را آماده نمایش کرده است که نیامی واتس و شان پن در آن بازی کرده‌اند.

قطاری در برف

■ جان هارت به جمع بازیگران فیلم «رخنه برفی» بونگ جون هو کارگردان و فیلمنامه‌نویس کره‌ای پیوست. هارت که اخیرا بازی در فیلم خانوادگی «اتومبیل جین مانسفیلد» را به پایان برده است، در گفت‌وگو با دیلی‌تلگراف اعلام کرد که قصد دارد با بونگ همکاری کند. این اولین فیلم انگلیسی زبان بونگ جون هو است که فیلم‌هایی مانند «مادر» (۲۰۰۹) و «میزبان» (۲۰۰۶) را در کارنامه دارد. علاوه بر جان هارت، تیلدا سوینتن (لازم است درباره کوین صحبت کنیم)، کریس اوانز (کاپیتان آمریکا)، جمی بل (ماجراهای تن تن) و کانگ هو سونگ (همدردی برای خانم انتقام) در «رخنه برفی» بازی می‌کنند که فیلمی دلهره‌آور است و داستانش در قطاری می‌گذرد که در دنیایی پوشیده از برف و یخ در حرکت است و مسافرانش به جان هم افتاده‌اند. این فیلم در سال ۲۰۱۳ روی پرده می‌رود.

کلاغ خبرساز

■ مدت‌ها از به جریان افتادن پروژه بازسازی فیلم «کلاغ» می‌گذرد و این پروژه همچنان خبرساز است. بهار امسال شرکت واینشتاین، دادخواستی حقوقی علیه رلیتیویتی مدیا که قصد بازسازی فیلم کامیک بوکی سال ۱۹۹۴ آلکس پرویاس را داشت، ارایه داد و هفته پیش ورایتی از توافقی خارج از دادگاه میان دو شرکت خبر داد. در زمان ارایه دادخواست قرار بود این فیلم را کارلوس فرنزادیلو کارگردانی کند و بردلی کوپر بازیگر «نامحدود» نقشی را که برندن لی فقید ایفا کرده بود، بازی کند. ددلاین گزارش داده است که جس ویگاتو کار بازنویسی فیلمنامه را بر عهده گرفته است و ورایتی از منصوب شدن ف. خاویر گوتیرز به کارگردانی فیلم خبر داده اما معلوم نیست نقش قهرمان فیلم را چه کسی ایفا خواهد کرد.

طعمه کوسه

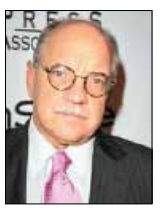

■ پل شریدر نویسنده «راننده تاکسی» و «گاو خشمگین» که این روزها مشغول فیلمبرداری تریلر جنایی «ژزوییت»، هجدهمین فیلمش در مقام کارگردان است، فیلم «طعمه» را در مرحله پیش تولید دارد که از رمانی به قلم برت ایستن الیس، نویسنده «روانی آمریکایی» اقتباس شده است. داستان فیلم در هتلی گران‌قیمت در لس‌آنجلس می‌گذرد که یکی از کارکنان آن به قصد انتقام‌جویی از گروهی از میهمانان جوان هتل که او را مضروب و تحقیر کرده‌اند، آنها را طعمه کوسه‌ها می‌کند. این فیلم با بودجه‌ای اندک ساخته می‌شود و نام بازیگر مشهوری در فهرست بازیگرانش به چشم نمی‌خورد.